

بررسی خطاهای املائی در نوشتار متون انگلیسی دانش‌آموزان فارسی‌زبان با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت

■ امیررضا وکیلی و فرد***

■ سارا سلیمی**

■ سیدبهنام علوی مقدم*

چکیده:

بررسی و تحلیل خطاهای املائی دانش‌آموزان فارسی‌زبان، در نوشتن متون انگلیسی، با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت، جهت شناسایی موارد مشکل‌آفرین در یادگیری و ارائه راهکار مناسب برای بهبود مواد آموزشی و شیوه‌های تدریس، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه، این مقاله به بررسی و تحلیل خطاهای زبان‌آموزان دختر و پسر در دوره متوسطه پرداخته است تا در جهت بهبود شیوه‌های تدریس گام مؤثری بردارد. ما در این تحقیق، بر اساس چارچوب نظری کشاورز (۱۹۹۴) به طبقه‌بندی خطاهای املائی پرداخته‌ایم. جامعه آماری این تحقیق ۱۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و ۱۰۰ نفر دانش‌آموز پسر پایه اول و سوم دبیرستان بودند و تلاش شد به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. دانش‌آموزان در نوشتار متون انگلیسی مرتکب چه نوع خطاهای املائی می‌شوند و بسامد خطاهایشان چقدر است؟

۲. با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت چه نوع تفاوت‌هایی در خطاهای موجود در متون نوشتاری زبان‌آموزان دیده می‌شود؟

۳. خطاهای زبان‌آموزان از چه منابعی نشئت می‌گیرد؟

تعداد کل خطاهای املائی افراد مورد تحقیق ۷۳۹ مورد بوده است. زیرمقوله‌های خطاهای نیز در این مقاله طبقه‌بندی شده است. نتایج تحقیق نشانگر آن است که بسامد خطاهای دانش‌آموزان دختر کمتر از دانش‌آموزان پسر است و با افزایش دوره تحصیلی از میزان خطاهای دانش‌آموزان کاسته می‌شود. از دیگر دستاوردهای تحقیق تعیین منبع خطاهاست که عبارت‌اند از: الف. انتقال درون زبانی ب. انتقال بین زبانی ج. راهبردهای ارتباطی، و د. راهبردهای یادگیری زبان دوم. نتایج این بررسی نشانگر آن است که بیشترین عامل بروز خطاها، عامل انتقال درون زبانی می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

تجزیه و تحلیل خطا، انتقال میان زبانی، انتقال درون زبانی، راهبردهای یادگیری، راهبردهای ارتباطی، جنسیت، دوره تحصیلی

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۸

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۴/۹/۲۲

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۷/۱۳

* استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی behnam_2009@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور Sara_salimibeni@yahoo.com

*** عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی قزوین

مقدمه

هر فرد انسانی، چه زمانی که در حال فراگیری زبان اول (زبان مادری) است و چه زمانی که در حال یادگیری زبان دوم (زبان خارجی) است مرتکب خطا می‌شود و این امری اجتناب‌ناپذیر است. یادگیری زبان خارجی هم از روندی برخوردار است که به‌وضوح بی‌شبهت به یادگیری زبان اول، که خود دارای آزمون و خطاست، نمی‌باشد. پس یادگیرندگان زبان در روند فراگیری به‌ناچار مرتکب خطا خواهند شد و اگر به خطاها توجه خاص نداشته باشند و به‌ویژه از اشکال مختلف بازخورد آن خطاها بهره نبرند در واقع روند یادگیری‌شان مختل خواهد شد. اُگردی و آرچیبیل^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که تحقیق در زبان دوم، نیازمند بررسی چگونگی کسب مهارت افراد در زبان غیرمادری است. کوردرد^۲ (۱۹۶۷) اظهار می‌دارد که توجه به خطاهای یادگیرندگان زبان بسیار مهم است چراکه آن‌ها شواهدی از چگونگی یادگیری یا فراگیری زبان برای محققان فراهم می‌کنند از جمله اینکه یادگیرندگان چه راهکارها و روش‌هایی را در کشف یک زبان در اختیار دارند. این واقعیت که یادگیرندگان قطعاً مرتکب خطا می‌شوند و اینکه این خطاها را می‌توان مشاهده، تحلیل و طبقه‌بندی کرد تا نکاتی از نظامی که در درون یادگیرنده عمل می‌کند آشکار شود منجر به پیدایش موجی از مطالعات درباره خطاهای یادگیرندگان به نام «تحلیل خطا»^۳ شده است.

برای معلمان و مؤلفان کتب درسی این خطاها سرنخ‌های مهمی برای درک و فهم چگونگی فراگیری زبان دوم است؛ بنابراین تجزیه و تحلیل این خطاها، یافتن علل و عوامل ایجاد آن‌ها و طراحی مواد درسی متناسب و تصحیح آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. براون^۴ (۱۹۹۴) اظهار می‌دارد در نیمه قرن بیستم یکی از رایج‌ترین کارها در زبان‌شناسی کاربردی، بررسی مقابله‌ای دو زبان بود. زبان‌شناسی مقابله‌ای یا تطبیقی به مقایسه دو یا چند زبان، هم در تشابهات و هم در تفاوت‌های موجود میان آن‌ها، توجه دارد. مقایسه زبان‌ها گاهی به‌صورت در زمانی است که در آن صورت‌های یک زبان در دوره‌های مختلف زمانی سنجیده می‌شود، و یا صورت‌های دو یا چند زبان مختلف برای رسیدن به زبان متشابه با یکدیگر مقایسه می‌شود. طرفداران بررسی مقابله‌ای مدعی‌اند که مانع اصلی فراگیری زبان دوم/خارجی تداخل نظام زبان اول در آن است. فرضیه بررسی مقابله‌ای در یادگیری زبان دوم به‌طور آشکار نظر ما را به افزایش اشتباهات قابل استناد در انتقال منفی زبان مبدأ به زبان مقصد جلب می‌کند. مثلاً موضوعی که کاملاً رایج است تشخیص لهجه خارجی و توانایی استنباطی است که صرفاً از روی سخن یادگیرنده مشخص می‌کند که وی اهل کجاست. ادعاهای نسبتاً مستدل و محکمی در بین کارشناسان آموزش زبان و زبان‌شناسان از فرضیه بررسی مقابله‌ای پدید آمده است. یکی از قوی‌ترین این ادعاها، ادعای رابرت لدو^۵ (۱۹۵۷) در دیباچه کتاب «زبان‌شناسی در بین فرهنگ‌ها» است. کتاب بر این فرض متکی است که ما می‌توانیم الگوهایی را که موجب بروز مشکلات در یادگیری خواهند شد و، برعکس، مواردی را که موجب بروز مشکلات نخواهند شد پیش‌بینی و تشریح کنیم و این کار بایستی از طریق مقایسه منظم و مرتب زبان دوم - که باید یاد گرفته شود - با زبان مادری و فرهنگ زبان‌آموز انجام

گيرد. لدو (۱۹۵۷) در فصل اول کتاب اظهار مي‌دارد که از مقايسه بين زبان مادري و زبان بيگانه مي‌توان کلید دشواري و يا سهولت يادگيري زبان بيگانه را به دست آورد. عناصری که مشابه زبان مادری می‌باشند برای یادگیرنده آسان و عناصری که با زبان مادری اختلاف دارند مشکل خواهند بود. براون (۱۹۹۴) معتقد است که بهترین راهکار برای تجزیه و تحلیل یادگیری زبان دوم، بررسی داده‌های تولیدی زبان‌آموزان (گفتار و نوشتار) است چراکه تواتر واقعی آنان را منعکس می‌کند.

در تحقیق حاضر بررسی داده‌های تولیدی از طریق تجزیه و تحلیل خطاهای زبانی انجام می‌شود. فلاحي^۶ (۱۹۹۱، ص. ۲۵) معتقد است تحلیل خطاها سرنخی برای معلم است تا بتواند دشواری‌های یادگیری را مشخص نماید؛ دشواری‌هایی که تحلیل مقابله‌ای به‌سختی می‌تواند آن‌ها را پیش‌بینی کند. خطاها منابع مهمی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان نظام ذهنی زبان‌آموزان را درک کرد. از طرفی براون (۱۹۹۴) عامل اصلی دیگری را در یادگیری توانش کاربردی اجتماعی هر زبان مؤثر می‌داند که اخیراً توجه زیادی را به خود جلب کرده و آن تأثیر جنسیت، هم در تولید و هم در درک زبان است. تفاوت‌هایی میان چگونگی صحبت کردن مردان و زنان مورد بررسی قرار گرفته است مثلاً میان آمریکایی‌های انگلیسی‌زبان مشاهده شده است که دختران نسبت به پسران از گونه استانداردتر زبان استفاده می‌کنند و این الگو تا دوران بزرگ‌سالی ادامه دارد.

بر این اساس نگارندگان سعی نموده‌اند که خطاهای املايي را از میان نوشتارهای حدود ۱۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر در دو دوره سال اول و سوم دبیرستان جمع‌آوری کنند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. همچنین سعی نموده‌اند تا خطاهای املايي زبان‌آموزان را با توجه به دو متغير جنسيت و سال تحصيلي مورد بررسی قرار دهند و علل و عوامل به‌وجودآورنده و زیرمقوله‌های آن‌ها را مشخص سازند. در ادامه فواید این تحقیق را نیز مورد بحث قرار داده و سعی کرده‌اند با استفاده از نتایج تحقیق پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی و همچنین بهبود شیوه‌های تدریس و تهیه و تدوین مواد درسی ارائه کنند. چارچوب نظری در این تحقیق، کشاورز^۷ (۱۹۹۴) می‌باشد و هدف غایی از پژوهش تسهیل آموزش زبان انگلیسی در مدارس است.

■ سؤال‌های پژوهش

در این تحقیق به پرسش‌های زیر باید پاسخ داده شود:

۱. دانش‌آموزان فارسی‌زبان در نوشتار متون انگلیسی مرتکب چه نوع خطاهای املايي می‌شوند و بسامد خطاهایشان چقدر است؟
۲. با توجه به متغير سال تحصيلي و جنسيت چه نوع تفاوت‌هایی در خطاهای موجود در متون نوشتاری زبان‌آموزان مورد بررسی وجود دارد؟
۳. خطاهای زبان‌آموزان از چه منبع یا منابعی ناشی می‌شود؟

پیشینه پژوهش

از نظر میلر^۸ (۱۹۶۶) «بی معنا خواهد بود که قواعدی برای اشتباه کردن بیان کنیم» بنابراین بهتر است از این به بعد «خطاهای کنشی» را اشتباه بنامیم و اصطلاح «خطا» را برای «خطاهای نظام‌مند» زبان‌آموز به کار ببریم.

کوردر (۱۹۷۳) اشاره می‌کند که مشخص‌ترین کاربرد عملی خطاها استفاده معلم‌ها از آن است، خطاها بازخورد ایجاد می‌کنند و کارایی مواد درسی و شیوه‌های تدریس را به معلم باز می‌نمایانند و به او نشان می‌دهند که کدام بخش از مطالب درسی به‌خوبی آموخته شده و یا خوب تدریس نشده‌اند و باید بیشتر به آن‌ها توجه کرد.

براون (۱۹۹۴) اظهار می‌دارد که به‌منظور تحلیل زبان یادگیرنده از دیدگاهی مناسب، تمایز قائل شدن بین اشتباهات و خطاها، که از نظر فنی دو پدیده بسیار متفاوت هستند، امری بسیار مهم است. کریستال^۹ (۲۰۰۳، ص. ۱۶۵) تفاوت میان خطا و اشتباه را چنین بیان می‌کند:

«خطاها صورت‌های غیر قابل قبولی هستند که زبان‌آموزان یک زبان خارجی با استفاده از اصول و شیوه‌های زبان‌شناختی آن‌ها را تولید می‌کنند و تصور می‌شود که این خطاها، به شیوه‌ای نظام‌مند، منعکس‌کننده سطح توانش زبانی کسب‌شده آن زبان‌آموزان باشد؛ درحالی‌که اشتباهات، محدودیت‌های کنش زبانی هستند که زبان‌آموز قادر است آن‌ها را تصحیح کند.»

از نظر فلاحي (۱۹۹۱) تحلیل خطا بر این فرض استوار است که دفعات تکرار خطا با میزان سختی یادگیری ارتباط دارد. برای تشخیص دشواری‌ها، خطاها در زبان تولید شده و به‌وسیله زبان‌آموز زبان خارجی به‌صورتی منظم جمع‌آوری، تحلیل و دسته‌بندی می‌شوند.

در پژوهش کشاورز (۱۹۹۴) آمده است که به دنبال نواقص بررسی مقابله‌ای برای توضیح مناسب خطاهای زبان‌آموزان زبان دوم، محققان شروع به جست‌وجوی شیوه‌های جایگزینی کردند که به لحاظ نظری بتوان آن‌ها را توجیه کرد و به لحاظ آموزشی نیز این شیوه‌ها کاربردی باشند. این شیوه‌های جدید که بر اساس نظریه‌های یادگیری زبان اول و دوم و دربردارنده شباهت‌های میان آن‌هاست تحلیل خطاها نامیده می‌شود. در یادگیری زبان دوم، نسبت به آنچه در سنت بررسی مقابله‌ای بود، نگرش مثبت‌تری به وجود آمد. خطاها دیگر به‌عنوان علائم ناکامی در تدریس و یا یادگیری تلقی نمی‌شدند که باید به هر قیمتی ریشه‌کن شوند، بلکه در عوض به‌عنوان بخش ضروری از فرایند یادگیری زبان نگریسته می‌شدند. ظهور تحلیل خطاهای زبانی عکس‌العملی بود در برابر دیدگاهی درباره یادگیری زبان دوم که از سوی بررسی مقابله‌ای ارائه شده بود؛ دیدگاهی که انتقال را فرایند اصلی در یادگیری زبان دوم یا خارجی می‌دانست. این دیدگاه راجع به انتقال، با دیدگاه یادگیری رفتاری ارتباط داشت. از سوی دیگر تحلیل خطا سعی می‌کند کنش زبان‌آموز را توضیح دهد؛ کنشی که بر اساس فرایندهای شناختی است که زبان‌آموزان در سازمان‌دهی داده‌های زبانی در زبان مقصد دریافت می‌کنند.

- کشاورز (۱۹۹۴، ص. ۴۲) چنین نتیجه می‌گیرد که تحلیل خطا بر سه اصل اساسی استوار است:
۱. خطاها اجتناب‌ناپذیرند. همان‌طور که ما بدون ارتکاب اشتباه نمی‌توانیم چه زبان اول و چه زبان دوم را بیاموزیم؛
 ۲. خطاها از جهات مختلف مهم هستند؛
 ۳. تمام خطاها را نمی‌توان به زبان مادری نسبت داد. یعنی تداخل زبان اول منبع تمام خطاها نیست.
- علوی و منصور (۲۰۱۱) به بررسی خطاهای نوشتاری جمعی از دانشجویانی که در دانشگاه مالزی مشغول به تحصیل بوده و زبان مادری آن‌ها انگلیسی نیست پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که این دانشجویان با دشواری‌های زبانی مختلفی از جمله در لغت، تلفظ و گرامر مواجه‌اند و گفته‌اند که خطاهای آن‌ها ناشی از تداخل زبان مادری و قوانین زبان مقصد می‌باشد.
- محمد و عبدالحسین (۲۰۱۵) نیز به بررسی خطاهای نحوی دانشجویان عراقی که در دانشگاه مالزی مشغول به تحصیل بوده‌اند پرداخته‌اند و مهم‌ترین عامل بروز خطاهای آنان را زبان مادری معرفی کرده‌اند.
- سلیمی (۱۳۹۰) در رساله کارشناسی ارشد خود به بررسی خطاهای نوشتاری فارسی‌زبانانی که در حال یادگیری زبان انگلیسی هستند پرداخته است و انتقال درون زبانی را مهم‌ترین عامل در ایجاد چنین خطاهایی می‌داند.
- علوی مقدم و خیرآبادی (۱۳۹۱) خطاهای نوشتاری دانش‌آموزان ایرانی ترک‌زبان سطح متوسطه و پیشرفته را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و این خطاها را در چهار حوزه املايي، واژگانی، ساختاری و کاربردشناختی تقسیم‌بندی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که خطاهای ساختاری با ۷۲ درصد میزان وقوع از بیشترین تعداد برخوردار بوده‌اند.
- یکی از عوامل بیولوژیکی که در توسعه زبان تأثیر فراوان دارد جنسیت است. دختران از سنین بسیار پایین در گسترش دادن مهارت‌های زبانی خود، نسبت به پسران، پیشناز هستند به‌گونه‌ای که دامنه واژگانی آن‌ها در سن ۱۶ ماهگی وسیع‌تر از پسران است (برمن، بیتان و بوت، ۲۰۰۸). تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در زبان‌شناسی به این موضوع می‌پردازد که مکانیسم فراگیری زبان تا حدودی در مردان و زنان متفاوت است (کاشانسکایا، مارین و یو، ۲۰۱۱).
- اولمان^{۱۲} (۲۰۰۴) انگاره ابرازی، فرایندی^{۱۳} را بیان نموده است. وی چنین بیان می‌کند که برتری زنان در فعالیت‌های زبانی به علت «حافظه ابرازی» آن‌هاست. حافظه ابرازی بخشی از حافظه طولانی مدت است و ظرفیت ذخیره وسیع و درازمدتی دارد. برخلاف «حافظه اقدامی» که مربوط به یادگیری مهارت‌ها است (یادگیری قوانین آشکار)، حافظه ابرازی یادگیری صریح و بازیابی اطلاعات را در برمی‌گیرد و به توانایی ذخیره و به‌کارگیری دانش حقایق و وقایع برمی‌گردد. ترادگیل (۱۳۷۶) نمونه بارز تفکیک

جنسیتی در زبان را مربوط به جزایر هند غربی یا جزایر کارائیب می‌داند. وقتی اروپاییان برای نخستین بار به مجمع‌الجزایر آنتیل کوچک قدم گزارند و با بومیان کارائیبی ساکن آنجا تماس برقرار کردند متوجه شدند که زنان و مردان به دو زبان متفاوت تکلم می‌کنند. این امر شگفت‌انگیزی بود که ظاهراً نظیرش را در هیچ نقطه‌ای از جهان ندیده بودند.

میزان تحصیلات نیز در به وجود آمدن تنوعات و گوناگونی‌های زبانی عامل مؤثری است. در سطح یک جامعه زبانی، تفاوت‌های زبانی که گاه کاملاً آشکار هستند، با میزان تحصیلات افراد ارتباط و همبستگی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. باطنی (۱۳۷۳) نیز با تصریح بر نقش تحصیلات، رابطه میان تحصیلات و طبقه اجتماعی را نشان می‌دهد. بنا به گفته وی نوع گفتار می‌تواند منعکس‌کننده درجه تحصیلات باشد، تا آنجا که تحصیلات نمایشگر طبقه اجتماعی افراد نیز می‌باشد. مدرسی (۱۳۸۷) معتقد است که میزان تحصیلات و حتی نوع تحصیلات یا رشته تحصیلی گویندگان یک زبان را می‌توان از عواملی دانست که در به وجود آمدن تنوعات و گوناگونی‌های زبانی در سطح یک جامعه نقش مؤثر دارند.

روش پژوهش

آزمودنی‌ها: زبان‌آموزانی که نوشته‌های آنان در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است دانش‌آموزانی هستند که در حال یادگیری زبان انگلیسی در سال‌های اول و سوم دبیرستان بودند و زبان مادری آنان فارسی بوده است. از آنجا که نگارندگان به‌عنوان دبیر زبان انگلیسی در حال تدریس می‌باشند لذا انشاهای دانش‌آموزان دختر سال اول و سال سوم دبیرستان را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. البته در این پژوهش آزمودنی‌ها از هر دو جنس پسر و دختر انتخاب شدند. این دانش‌آموزان در ناحیه ۱ شهر ری در دبیرستان دخترانه صدیقه طاهره (س) و دبیرستان پسرانه ۲۲ بهمن مشغول تحصیل بوده‌اند و درس زبان پایه سال گذشته آن‌ها به‌عنوان سطح همگونی آن‌ها تلقی گردید.

ابزار مطالعه: نوشته‌های گردآوری‌شده از زبان‌آموزان شامل انشاهای آن‌ها بود که برای استخراج اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. از هر دانش‌آموز تعداد ۵ برگه انشا جمع‌آوری شد. از این تعداد موضوع ۳ انشا تعیین شد و از زبان‌آموزان درخواست شد درباره آن‌ها انشا بنویسند. موضوع ۲ انشای دیگر آزاد بود و زبان‌آموزان به انتخاب خود مطالبی نوشتند.

روش پژوهش: بعد از انتخاب ۱۰۰ زبان‌آموز دختر و ۱۰۰ زبان‌آموز پسر در سال‌های اول و سوم دبیرستان که از سطح همگونی یکسانی برخوردار بودند، ۵ موضوع مشخص گردید. که دو موضوع اختیاری بود و توسط خود دانش‌آموزان انتخاب شد و سه موضوع دیگر توسط نگارندگان به دانش‌آموزان داده شد. موضوع‌ها نیز در خصوص مسائل اجتماعی از قبیل مراسم جشن نوروز و ازدواج و... بود. در جلسات متوالی از زبان‌آموزان خواسته شد در خصوص موضوعات خواسته‌شده انشا

بررسی خطاهای املائی در نوشتار متون انگلیسی دانش‌آموزان فارسی‌زبان با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت

بنویسند. بعد از جمع‌آوری نوشته‌های دانش‌آموزان، خطاهای املائی آنان به دقت بر اساس الگوی کشاورز (۱۹۹۴) شناسایی و طبقه‌بندی گردید.

■ بحث و بررسی

پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل خطاهای املائی زبان‌آموزان، خطاهای استخراج شده طبقه‌بندی و زیرمقوله‌های آن‌ها مشخص گردید. همچنین علل و عوامل به وجود آورنده آن‌ها نیز تعیین شد. طبقه‌بندی ارائه شده به شرح زیر است:

۱. خطاهای واجی

پس از بررسی نوشته‌های گردآوری شده از دانش‌آموزان دختر و پسر فارسی‌زبان خطاهای واجی یافت شده را به صورت زیر طبقه‌بندی نمودیم:

۱.۱. نبود یک واج در زبان مادری

چون در زبان انگلیسی چند واج وجود دارد که در زبان فارسی وجود ندارد زبان‌آموزان در کاربرد آن‌ها چه در گفتار و چه در نوشتار دچار خطا می‌شوند. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
I can say <i>thank</i> you	I can say <i>tank</i> you

در مثال بالا دلیل بروز خطا نبودن یک واج در زبان مادری است. یعنی به دلیل نبودن واج /θ/ و واج /ð/ در زبان فارسی زبان‌آموزان دچار خطا شده‌اند. لذا از واج دیگری که در زبان مادری خود داشته‌اند استفاده نموده‌اند.

۲.۱. حروفی که نوشته می‌شوند اما تلفظ نمی‌شوند

به علت اینکه بعضی از حروف نوشته می‌شوند ولی تلفظ نمی‌شوند زبان‌آموز دچار خطاهایی می‌گردند. در بعضی از موارد زبان‌آموز از این حروف در جاهایی که نیاز است استفاده نمی‌کند و برعکس در جاهایی استفاده می‌کند که نباید استفاده کند. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
My <i>high</i> school has big yard	My <i>hi</i> school its yard big

۳.۱. کاربرد نادرست واج‌هایی که واجگاه مشترک دارند

در این دسته از خطاها زبان‌آموزان واج‌هایی را که دارای واجگاه مشترک هستند به جای یکدیگر به کار برده‌اند. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
Our school is very big and <i>pretty</i>	The our school very big and <i>bretty</i>

در مثال بالا چون واجگاه /p/ و /b/ یکی است یعنی جایگاه هر دوی آن‌ها لبی می‌باشد زبان‌آموز دو واج را به جای هم به کار برده است.

۴.۱. عدم یادگیری تلفظ صحیح کلمه

قسمت اعظم خطاهای املايي زبان‌آموزان ناشی از یادنگرفتن تلفظ صحیح کلمه است، لذا منجر به بروز خطاهایی از این نوع می‌شود. ما خطاهای مشاهده‌شده در نوشتار زبان‌آموزان را که ناشی از عدم تلفظ صحیح کلمه بوده است به سه دسته زیر تقسیم‌بندی کردیم:

الف. ترتیب نادرست واج‌ها

این دسته از خطاها مربوط به عدم کاربرد درست واج‌ها به دنبال یکدیگر است که در نوشتار زبان‌آموزان نمود یافته است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی چنین خطاهایی این باشد که زبان‌آموز با تلفظ کلمه مشکل دارد. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
The teachers are <i>smart</i>	The teachers are <i>sramt</i>

ب. حذف واج

این دسته خطاهای املايي ناشی از آن است که زبان‌آموز چون تلفظ صحیح کلمه را نمی‌داند واجی را حذف می‌کند و تلفظ آن را برای خود راحت می‌کند. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
My school is <i>beautiful</i>	My school is <i>beatiful</i>

ج. اضافه کردن واج

این دسته از خطاها با اضافه کردن یک واج رخ می‌دهد که در بیشتر موارد به دلیل تفاوت در ساختار هجایی دو زبان می‌باشد. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
My school is far from my house	My school far ferom my hous

۲. خطاهای مربوط به رسم الخط

خطاهایی که در این بخش بررسی و دسته‌بندی می‌شوند خطاهایی هستند که به دلیل ویژگی‌های نظام املايي زبان انگليسي ايجاد مي‌شوند. شايد عمده‌ترین تفاوت‌ها در رسم الخط زبان انگليسي برای فارسي‌زبان‌ها جهت حرکت نوشتن است، که برخلاف فارسي از سمت چپ به راست می‌باشد. عمده‌ترین علت خطاهای مربوط به رسم الخط به خاطر عدم هماهنگی در املاي زبان انگليسي و فارسي است بنابراین خطاها به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱.۲. عدم ارتباط متقابل بین حروف و صداها

این دسته از خطاها به دو دلیل رخ می‌دهند: ۱. حروف با املاي مختلف صدای یکسان دارند ۲. حروف با املاي یکسان صدای مختلف دارند. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
His shirt number	He is shirt number

۲.۲. وجود کلمات هم‌آوا

در زبان انگليسي کلماتي وجود دارد که به یکسان تلفظ می‌شوند اما املا و معنای آن‌ها متفاوت است. به چنین کلماتي کلمات هم‌آوا گفته می‌شود. وجود چنین کلماتي در زبان سبب می‌شود تا زبان‌آموز دچار اشتباه شود. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
Spain has the best tennis players in world	Ispania is the best tennis player in word

بررسی خطاهای املائی در نوشتار متون انگلیسی دانش‌آموزان فارسی‌زبان با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت

در مثال بالا زبان‌آموزان به علت تشابهی که در تلفظ کلمات نظیر هم وجود داشته است مرتکب خطا شده‌اند. در بعضی از این موارد کلمات از نظر تلفظ نیز شبیه یکدیگر هستند اما به خاطر اینکه زبان‌آموز تلفظ صحیح کلمه را نمی‌داند مرتکب خطا می‌شود. به‌عنوان مثال زبان‌آموز کلمه word با تلفظ [wɜ:d] را به جای world که تلفظ آن به صورت [wɜ:ld] می‌باشد به کار برده است.

۳.۲. نادیده گرفتن قواعد املائی توسط زبان‌آموز

چنین خطاهایی به علت رعایت نکردن قواعد املائی روی می‌دهند؛ به‌عنوان مثال قواعدی که مقرر می‌کنند چه هنگام همخوان پایانی در کلمات تک سیلابی تکرار می‌شود. در مثال زیر به نمونه‌ای از این خطاها اشاره شده است:

صورت بازسازی شده	صورت به کاررفته
I was <i>swimming</i>	I was <i>swiming</i>

تعیین منبع خطاها

پس از دسته‌بندی خطاهای املائی زبان‌آموزان به تعیین بسامد و درصد خطاهای زبان‌آموزان می‌پردازیم؛ سپس منبع بروز خطاها ذکر خواهد شد.

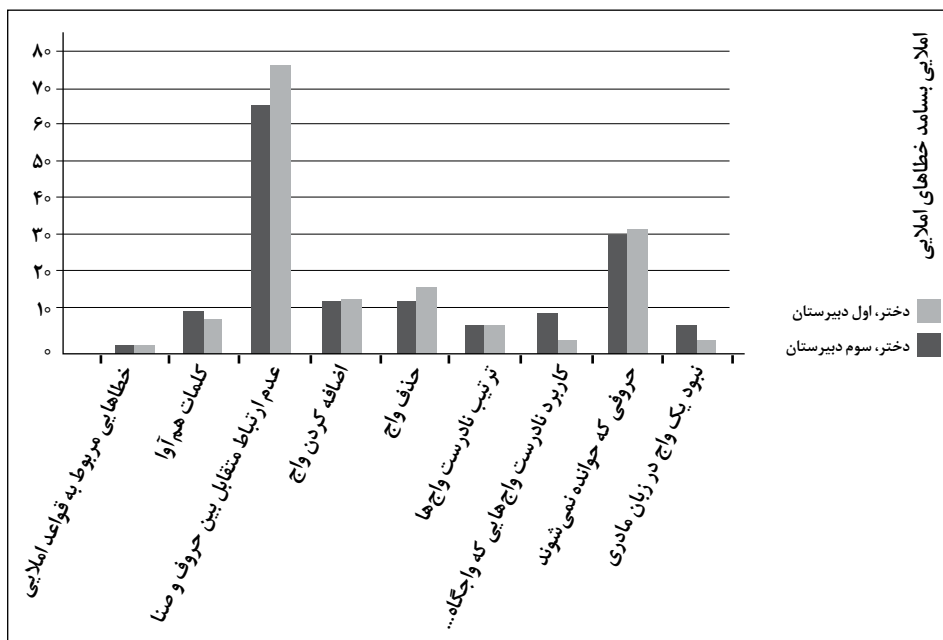
جدول ۰۱. خطاهای املائی دانش‌آموزان دختر و پسر فارسی‌زبان پایه اول دبیرستان و پایه سوم دبیرستان

جنسیت	پایه تحصیلی	تعداد زبان‌آموزان	بسامد خطا	درصد خطاهای املائی نسبت به کل خطاهای املائی
دختر	اول	۵۰	۱۶۰	۲۱/۶۵
دختر	سوم	۵۰	۱۵۴	۲۰/۸۴
پسر	اول	۵۰	۲۲۵	۳۰/۴۵
پسر	سوم	۵۰	۲۰۰	۲۷/۰۶

بررسی خطاهای املايي در نوشتار متون انگليسي دانش‌آموزان فارسي‌زبان با توجه به متغير دوره تحصيلي و جنسيت

جدول ۲. خطاهای زبان‌آموزان در حوزه املايي

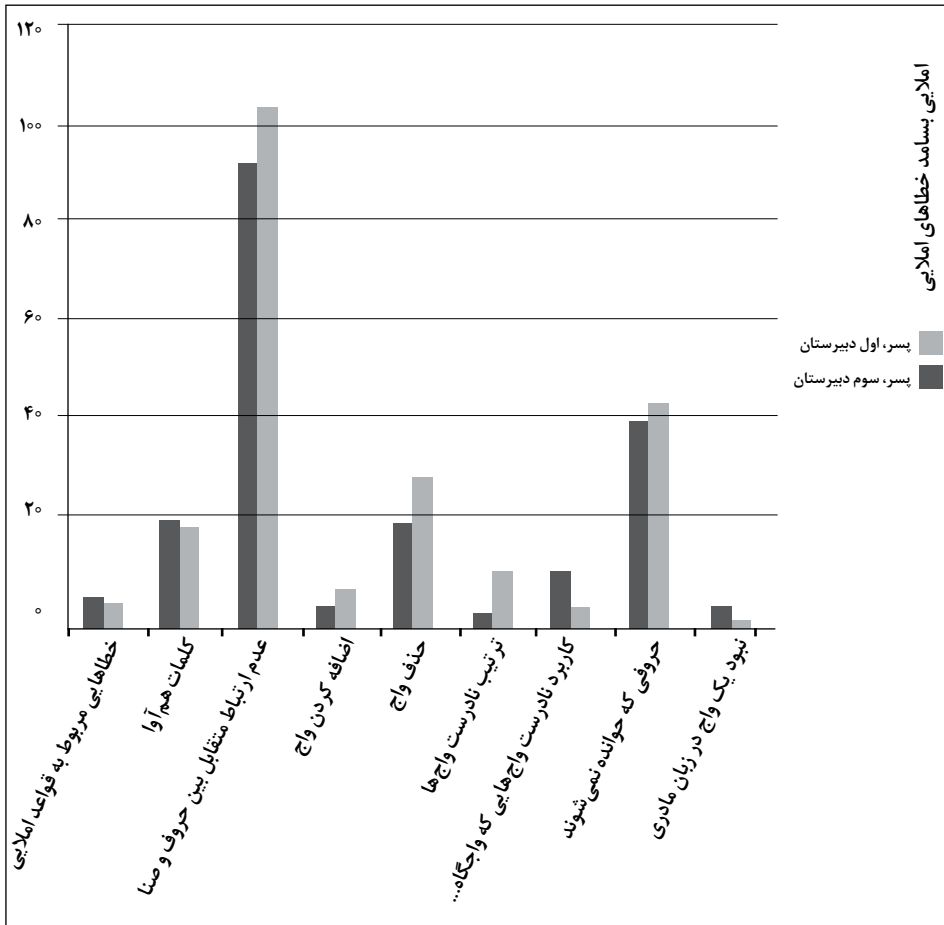
پسران		دختران		خطاهای املايي
سوم دبیرستان	اول دبیرستان	سوم دبیرستان	اول دبیرستان	
۳	-	۶	۳	نبود یک واج در زبان مادري
۴۱	۴۵	۳۱	۳۲	حروفی که خوانده نمی‌شوند
۱۱	۳	۹	۲	کاربرد نادرست واج‌هایی که واجگاه مشترک دارند
۲	۱۰	۶	۶	ترتیب نادرست واج‌ها
۲۰	۳۰	۱۳	۱۷	حذف واج
۳	۷	۱۲	۱۳	اضافه کردن واج
۹۴	۱۰۶	۶۶	۷۸	عدم ارتباط متقابل بین حروف و صدا
۲۱	۲۰	۱۰	۸	کلمات هم‌آوا
۵	۴	۱	۱	خطاهای مربوط به قواعد املايي



نمودار ۱. بسامد خطاهای املايي دانش‌آموزان دختر مقطع اول و سوم دبیرستان

بررسی خطاهای املائی در نوشتار متون انگلیسی دانش‌آموزان فارسی‌زبان با توجه به متغیر دوره تحصیلی و جنسیت

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود خطاهای مربوط به عدم ارتباط متقابل بین حروف و صدا از بیشترین بسامد وقوع در دانش‌آموزان دختر پایه اول و سوم دبیرستان برخوردار است و بعد از آن خطاهای مربوط به حروفی که خوانده نمی‌شود از بسامد وقوع بالایی برخوردار می‌باشد. این در حالی است که خطاهای مربوط به قواعد املائی از کمترین بسامد وقوع برخوردار می‌باشد.



نمودار ۲. بسامد خطاهای املائی دانش‌آموزان پسر سال اول و سال سوم دبیرستان

همان‌گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود خطاهای مربوط به عدم ارتباط متقابل بین حروف و صدا از بیشترین بسامد وقوع در دانش‌آموزان پسر پایه اول و سوم دبیرستان برخوردار است و همچنین خطاهای مربوط به حروفی که خوانده نمی‌شود از بسامد وقوع بالایی برخوردار می‌باشد. همچنین خطاهای مربوط به حذف واج نیز از بسامد وقوع نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد. این در حالی است که

خطاهای مربوط به نبود یک واج در زبان مادری از کمترین بسامد وقوع برخوردار می‌باشد. همچنین خطاهای مربوط به قواعد املايي از بسامد کمی برخوردار است. بر اساس نظر کشاورز (۱۹۹۴) منبع خطاها را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود که در این تحقیق هم می‌توان آن‌ها را به‌عنوان منبع خطا در نظر گرفت:

الف. انتقال میان زبانی

ب. انتقال در زبانی

ج. راهبردهای یادگیری

د. راهبردهای ارتباطی

در زیر، این منابع را به اختصار شرح می‌دهیم و سپس بسامد و درصد هر یک از این منابع را در بروز خطاهای نحوی در سطح مقدماتی می‌آوریم.

الف. انتقال میان زبانی: منظور خطاهایی هستند که از زبان مادری سرچشمه می‌گیرند

ب. انتقال در زبانی: خطاهایی که از سوی زبان خارجی پدید می‌آیند حاصل تداخل مقوله‌های زبان مقصد هستند.

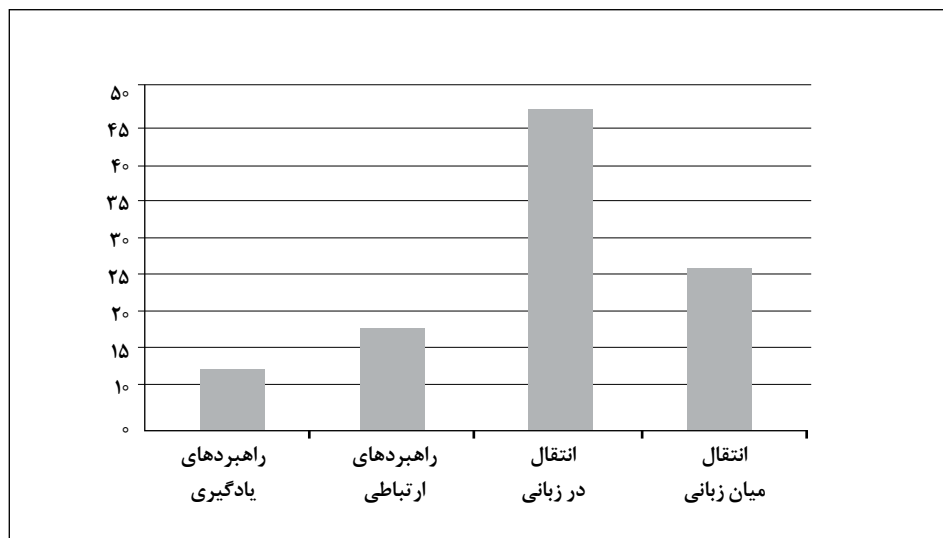
ج. راهبردهای یادگیری: به راهبردهایی اشاره دارد که از سوی زبان‌آموزان هنگام تعامل با زبان مقصد به کار برده می‌شوند مانند: ساده‌سازی

د. راهبردهای ارتباطی: زمانی که زبان‌آموز، با منابع محدود زبانی که در اختیار دارد، مجبور باشد منظور خود را بیان کند. ممکن است مجبور شود برای برقراری ارتباط از تفسیر، حرکت بدنی یا حتی قرض‌گیری از زبان مادری خود بهره برد تا کمبود دانش دستوری یا واژگانی خود را جبران کند. بر اساس آنچه در بالا از آن‌ها به‌عنوان منبع خطاها نام برده شد، خطاهای زبان‌آموزان را می‌توان از لحاظ منبع و بسامد و درصد هر یک از آن‌ها، در جدول زیر دسته‌بندی کرد:

جدول ۳. منبع خطاهای املايي دانش‌آموزان فارسی‌زبان

منبع خطا	تعداد زبان‌آموزان	بسامد خطا	درصد خطا نسبت به کل خطاهای املايي
انتقال میان‌زبانی	۲۰۰	۱۸۸	۲۵/۴۳
انتقال در زبانی	۲۰۰	۳۶۷	۴۹/۶۶
راهبردهای ارتباطی	۲۰۰	۱۱۴	۱۵/۴۴
راهبردهای یادگیری	۲۰۰	۷۰	۹/۴۷
مجموع	۲۰۰	۷۳۹	۱۰۰

بررسی خطاهای املايي در نوشتار متون انگليسي دانش‌آموزان فارسي‌زبان با توجه به متغير دوره تحصيلي و جنسيت



نمودار ۳. منبع خطاهای املايي دانش‌آموزان فارسي‌زبان

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت که منابع متعددی سبب بروز خطا می‌شوند که اصلی‌ترین آن‌ها بر اساس بسامد تکرارشان، انتقال در زبانی یا زبان مقصد، انتقال میان زبانی یا زبان مادری، راهبردهای ارتباطی و راهبردهای یادگیری هستند.

نتایج پژوهش

در این تحقیق بعد از تجزیه و تحلیل خطاهای املايي زبان‌آموزان در سطح مقدماتی، نتایج جالب توجهی درباره علل به وجود آورنده این خطاها و همچنین حوزه‌های بروز این خطاها به دست آمده است. مجموع کل خطاهای دانش‌آموزان دختر فارسی‌زبان ۳۱۴ مورد و مجموع کل خطاهای دانش‌آموزان پسر فارسی‌زبان ۴۲۵ مورد است. در واقع بسامد خطاهای موجود در نوشتار دختران دانش‌آموز کمتر از بسامد خطاهای پسران دانش‌آموز است و مجموع کل خطاهای زبان‌آموزان در حوزه یادشده ۷۳۹ خطا می‌باشد. این نتیجه همسو با تحقیقات انجام شده توسط برمن و همکاران (۲۰۰۸) است که گفتیم معتقدند دختران در گسترش مهارت‌های زبانی از پسران پیشتر هستند. همچنین می‌توان گفت که با بالا رفتن پایه تحصیلی بسامد خطاهای زبان‌آموزان نیز کمتر می‌شود؛ یعنی مجموع کل بسامد خطاهای زبان‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان ۱۶۰ خطا، مجموع کل بسامد خطاهای زبان‌آموزان دختر پایه سوم دبیرستان ۱۵۴ خطا، مجموع کل بسامد خطاهای زبان‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان ۲۲۵ خطا و مجموع کل بسامد خطاهای زبان‌آموزان پسر پایه سوم دبیرستان ۲۰۰ خطاست.

یکی از نتایج مهم این تحقیق مشخص شدن علل و عوامل به وجود آورنده خطاهای زبان‌آموزان بوده

است که در راستای طبقه‌بندی منبع خطاهای کشاورز (۱۹۹۴) می‌باشد. جدول (۳) نشان می‌دهد که این عوامل در ۴ دسته قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از: انتقال میان زبانی، انتقال در زبانی، راهبردهای یادگیری و راهبردهای ارتباطی. مهم‌ترین عامل بروز خطاها، عامل انتقال در زبانی است که در این تحقیق تعداد ۳۶۷ مورد خطا را از کل خطاها شامل شده است. از اطلاعات این جدول می‌توان نتیجه گرفت که در حدود ۴۹/۶۶ درصد خطاها ناشی از تداخل مقوله‌های مختلف با هم در زبان مقصد است که این امر می‌تواند سبب شود تا معلم بداند بیشترین حوزه مشکل ساز کدام حوزه است تا تمرکز بیشتری روی آن داشته باشد. توجه به جدول شماره (۲) مشخص می‌کند که منبع بروز خطاها و درصد هر یک از آن‌ها به ترتیب زیر است: انتقال در زبانی ۴۹/۶۸، انتقال میان زبانی ۲۵/۴۳، راهبردهای ارتباطی ۱۵/۴۴، راهبردهای یادگیری ۹/۴۷ یعنی بیشترین خطاها مربوط به مقوله‌های زبان انگلیسی و کاربرد آن‌هاست.

پیشنهادهای کاربردهای پژوهش

برای بهبود برنامه‌های آموزشی پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. معلمان باید خطاهای زبان‌آموزان خود را مطالعه کنند تا حوزه‌های مشکل‌آفرین برای زبان‌آموزان در سطوح مختلف آموزش را دریابند و بتوانند مشکلات فراگیری زبان انگلیسی را مرتفع نمایند.
۲. طراحان برنامه‌های درسی باید خطاهای زبان‌آموزان را مطالعه کنند و بشناسند تا بتوانند مقوله‌های زبانی را بر اساس اهمیتی که دارند در برنامه‌های درسی قرار دهند.
۳. لازم است نویسندگان کتب درسی خطاها را مطالعه کنند تا در انتخاب مواد آموزشی واقعی بر اساس عوامل متعددی مانند بسامد، رخداد و قابل تدریس بودن عمل کنند. همچنین نویسندگان کتب درسی می‌توانند با توجه به خطاها و دشواری‌ها، مطالب درسی را درجه‌بندی نموده و دقت بیشتری را به مقوله‌هایی با درجه دشواری بالاتر اختصاص دهند.

منابع

- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). *زبان و تفکر*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ترادگیل. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی و درآمدی بر زبان و جامعه* (ترجمه محمد طباطبایی). تهران: نشر آگاه.
- سلیمی، سارا. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل خطاها در نوشتار متون انگلیسی دانش‌آموزان فارسی زبان دبیرستان با توجه به متغیر مقطع تحصیلی و جنسیت (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، تهران.
- علوی‌مقدم، سید بهنام و خیرآبادی، معصومه. (۱۳۹۱). تحلیل اشکالات نوشتاری دانش‌آموزان ایرانی غیرفارسی‌زبان. *فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۱(۴۳)، ۶۵-۴۳.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Alavi, M. & Mansor, S. M. S. (2011). Categories of Problems among Internatinal Students in Universiti Teknologi Malaysia. *Procedia Social and Behavioral Science*, 30(2011), 1581-1587.
- O'Grady, D. W. & Archibald, J. (2000). *Contemporary Linguistics Analysis*. Canada Inc: Pearson Education.
- Brown, H. D. (1994). *Principles of language Teaching and Learning*. New Jersey: Prentice-Hall.
- Burman, D., Bitan, T. & Booth, J. R., (2008). Sex Differences in Neural Processing of lan-guage among Children. *Neuropsychologia*, 46(5), 1349-1362.
- Corder, S. P., (1967). The Significance of learners'errors. *International Review of Applied Lin-guistics*, 5(1-4), 161-9.
- Corder, S. P. (1973). *Introduction Applied Linguistic*. Harmondsworth, England: Penguin.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistic & Phonetics* (6th ed). Oxford: Blackwell Publishing.
- Fallahi, M. (1991). *Contrastive Linguistics & Analysis of Errors*. Tehran: Iran University Press.
- Kaushanskaya, M., Marian, V. & Yoo, J. (2011). Gender differences in adult word learning. *Acta Psychologica*, 137(1), 24-35.
- Keshavarz, M. H. (1994). *Contrastive Analysis & Error Analysis*. Tehran: Rahnama Publications.
- Lado, R. (1957). *Linguistics Across cultures*. Ann Arbor: University of Michigan press.
- Miller, G. A. (1966). Language and psychology. In E. H. Lenneberg (Ed.), *New directions in the study of language* (pp. 89-107). Cambridge, MA: MIT Press
- Mohammed, S. M. & Abdolhoussein, H. F. (2015). Grammatical Error Analysis Of Iraqi Post-graduate Students AcademicWriting: The Case of Iraqi Students in UKM. *International Journal of Education and Research*, 3(6), 283-294.
- Ullman, M. T. (2004). Contributions of Memory Circuits to Language: the declarative/procedural model. *Science direct*, 92(2004), 231-270.

پی‌نوشت‌ها

1. O'Grady Archibald
2. Corder, P. T
3. Error Analysis
4. Brown, H, D
5. Lado, Robert
6. Fallahi, M
7. Keshavarz
8. Miller, G. A.
9. Crystal, D
10. Burman, Bitan & Booth
11. Kaushanskaya, Marain & Yoo
12. Ullman
13. Declarative/procedural Model
15. Jenkins